



بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ۱۹ بهمن چهل و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک گروه چریکی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل (در استان گیلان) حمله کرده و با این عمل انقلابی، تولد جنبش نوین کمونیستی و جنبش پیشتاز فدایی را اعلام کردند. این اقدام جسورانه و بن بست شکن، آذرخشی روشنایی بخش در شبانگاه تیره و تار دیکتاتوری بود که توانست ضربه ای جدی به فضای اختناق وارد کند.

رژیم شاه در واکنش به عملیات سیاهکل، به سرکوب گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

مشعلی که مبارزان انقلابی در سیاهکل برافروختند و پژواک پیکاری که پیشتازان جنبش فدایی آغاز کردند، آگاه ترین و پیشرو ترین زنان و مردان ایران زمین که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید را به گرد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در ادامه راه سیاهکل به وجود آمد، متحد کرد.

اسدالله غلم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

با رستاخیز سیاهکل و عملکرد جنبش فدایی، یک قطب بندی سیاسی بین جنبش آزادیخواهی و دیکتاتوری به وجود آمد. سازمان چریکهای فدایی خلق طی ۷ سال مبارزه انقلابی و با پرداخت هزینه های سنگین در مبارزه بی امان با ساواک شاه، توانست پا برجا بماند و با وجود کمبودها و اشتباهات اش به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه قیام بهمن ۱۳۵۷ فرا روید و این درحالی بود که در تمام طول این دوره زیر شدیدترین ضربات دشمن قرار داشت و تمامی رهبران و بنیانگذاران آن در پیکارهای بی امان به شهادت رسیده بودند.

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی در مقابل جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری برداشت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل..» موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

با قیام بهمن ۱۳۵۷ و تحمیل جمهوری اسلامی به مردم، این دشمنی در شکل تلاش گسترده و بی وقفه برای مخدوش کردن سیمای درخشان جنبش پیشتاز فدایی توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ادامه یافت.

با این وجود، تلاش خمینی و ادامه دهندگان راه او هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر می شود، پنهان کند و افزون بر آن، مبارزه انقلابی علیه استبداد و ستم در ایران و در گوشه و کنار جهان نشان می دهد که سیاهکل نه یک تک نمونه و بی ارتباط با شرایط جامعه، بلکه پاسخی برای درهم شکستن قدرت مطلق بالاییها و ضعف مطلق پایینینها بود. ما سیمای حماسه آفرینان سیاهکل را در قیامهای مردم ایران در سال ۱۳۸۸ مشاهده کردیم و دیدیم که چگونه «آفتابکاران جنگل» تکثیر شد.

زنان و مردان ایران زمین!

کشور ما در یکی از حساس ترین و البته بحرانی ترین لحظات تاریخ خود قرار دارد. رژیم حاکم بر ایران بار این بحران را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما قرار داده است.

خامنه ای برای حفظ ولایت ننگین اش حربه ای جز سرکوب مردم ایران و صدور تروریسم و بنیادگرایی ندارد. در حالی که رژیم ناتوان از تامین اولیه ترین نیازهای مردم است و در حالی که ایران دارای فرصتهای بی نظیر برای استفاده از انرژی سالم و غیر فسیلی و ذخائر عظیم گاز است، خامنه ای زیر پوشش تولید انرژی هسته ای، میلیاردها دلار صرف پروژه جنگ افزار اتمی و صدور بنیادگرایی کرده و می کند.

در سال گذشته تحولات مهمی در عرصه داخلی و بین المللی به وقوع پیوست و سیمای جدیدی در جهان ما ترسیم شد. مواضع ما پیرامون این تحولات در بیانیه پایانی شورای عالی سازمان که به زودی تشکیل می شود، اعلام خواهد شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و پنجمین سال حیات خود یاد و خاطره همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما از مبارزه نیروهای اجتماعی ((کارگران، معلمان و استادان، پرستاران، کارمندان، دانشجویان، روشنفکران، هنرمندان، کارکنان رسانه های جمعی و...)) برای آزادی، دموکراسی و عدالت حمایت کرده و خاطره زنان و مردانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری عنان گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه ای داده، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی انسانی، اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما به همه ی زندانیان سیاسی و عقیدتی و به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند، درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی در

ایران است. برای تحقق این خواست تاریخی مردم ایران است که ما از آلترناتیو شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در این شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۸ بهمن ۱۳۹۳